

امام خمینی(س) و احیاء انتظار فرج

حجت الاسلام و المسلمین موسوی کاشمیری

خلاصه مقاله

این مقاله در یک پیشگفتار و دو فصل تنظیم یافته است. در پیشگفتار پس از ترسیم مظلومیت معارف بلند دینی و تحریف معنوی در برخی مفاهیم آن، که در اثر غیبت طولانی حضرت مهدی(عج) و دسیسه های استعمار و معاندان حقیقت پیش آمده است، به نقش مؤثر عالمان دین در تحریف زدایی و احیاء ارزشهای مکتبی در طول تاریخ اشاره شد. و در همین راستا حضور بی مانند و تعیین کننده امام راحل(س) در این جهاد مقدس تبیین گردیده که انتظار فرج از مهمترین آنها به حساب می آید و با نقل کلامی از آن بزرگ رهبر نستوه در بیان انواع برداشتهای منفی از این حقیقت ناب مقدمه پایان می پذیرد.

فصل اول

انتظار ناب

در این فصل عناوین مورد بحث واقع گردیده است: ۱ - مفهوم انتظار. در این قسمت پس از بیان مفهوم انتظار فرج نتیجه گیری شده است که این عنوان محتوایی جز حرکت و عمل ندارد. ۲ - انتظار مکتب عمل. در این بحث پس از بیان حدیثی از پیامبر اکرم(ص) که انتظار فرج را عمل معرفی فرموده است به تفصیل اثبات گردیده است که اساساً انتظار فرج جز آمادگی همه جانبه، تمرین صلاحیت، حرکت و عمل چیز دیگری در بر ندارد. ۳ - گستره انتظار. در این مبحث که از مباحث عمده این نوشتار است به تفصیل ثابت شده است که انتظار فرج تکلیفی عمومی برای مسلمانها، حتی برای مردم عصر حضور بوده و امامان پیشین(ع) و مسلمانان صدر اسلام نیز بدان مکلف بوده اند و آنان نیز به طور مستمر در جهت انتظار فرج گام برمی داشته اند. ولی این مبارزه گاهی در قالب جهاد آشکار صورت می گرفته است مانند مبارزات امیر مؤمنان(ع) و امام مجتبی(ع) و امام حسین(ع) و گاهی هم در صورت مبارزه مخفی و رعایت اصل تقیه شکل می یافته است. همچنان که مبارزات امامان - علیهم السلام - پس از امام سوم - علیه السلام - این گونه بوده است. و در نهایت این قسمت با ذکر روایاتی مبنی بر حقانیت مبارزات حق طلبانه در عصر غیبت، از جمله روایت منقول از حضرت رسول اکرم(ص) که فرمود: «یخرج الناس من المشرق فیوطئون للمهدی سلطانه» که این زمینه سازی بر انقلاب اسلامی ایران منطبق گردیده است، در بحث مستقلی تحت عنوان انقلاب ایران و انتظار فرج، به تفصیل در جهت حل تعارض و تنافی بین این روایت و روایاتی که مفاد آنها پر شدن جهان از ظلم و جور در عصر غیبت به عنوان مقدمه ظهور معرفی گردیده است، پرداخته شده است.

فصل دوم

عوامل تحریف در معنای انتظار فرج

در این فصل عوامل و زمینه‌هایی که چه به صورت مستقیم و چه به گونه غیرمستقیم در تحمیل معنای انحرافی و غلط بر انتظار فرج، دخیل بوده است بیان گردیده و در مورد هر یک، در حد مقاله، پردازش و تحلیل مناسب صورت گرفته است.

و آنها عبارت اند از:

۱ - عوامل مذهبی. زیرا نارسایی فهم و برداشت غلط در برخی مفاهیم دینی، خود از عوامل بسیار مهم در سوء برداشت و انحراف فکر در موضوع انتظار فرج بوده و هست که در متن مقاله بدانها پرداخته شده است.

۲ - عوامل روانی. و اینها عبارت اند از ۱ - عافیت طلبی ۲ - ضعف نفس و نبود شجاعت روحی ۳ - ترس از جان و خطرهای احتمالی ۴ - یأس و خوف از عدم موفقیت و غیر آن به امید نجات امت و پیروزی حق و جلوه‌های آن در سطح جهان با ظهور حضرت مهدی(عج).

حمد و سپاس خدای بزرگ و بی همتا را که همگان را بیافرید و قسمی را با هدایت تکوینی به کمال لایق خود رساند و قسمی را نیز به هدایت تشریحی مفتخر ساخت. پیامبران را برگزید تا مشعلداران قافله بشری در حرکت به سوی او گردند. و اوصیای آنان را نیز تا حافظان و ادامه دهندگان این راه پر افتخار باشند. و درود خدا بر تمامی آنها، به خصوص بر خاتم انبیا و اوصیا، یعنی حضرت رسول اکرم(ص) و فرزند گرامیش حضرت مهدی(عج)؛ این دو عنصر مقدسی که به واسطه ظهور و حضور پر شکوه دیگری نیز در اجرا، به حد کمال خواهد رسید.

فرج آل محمد(ص) که فرج همه اولیا و انبیای الهی در طول حیات بشری بوده است، به دست مبارک و پرتوان مهدی موعود(عج) به تحقق خواهد پیوست و با وجود و ظهورش همه آمال اولیا به بار خواهد نشست و لذا فرا رسیدن عصر حکومت جهانی بی منازع او آرزوی همه خوبان بوده است. [۱] و بر همین اساس «انتظار فرج» که موضوع این مقاله است دستورالعمل زندگی تمامی آنان محسوب آمده است. افتخار این امت مرحومه به خصوص در عصر غیبت در این است که در زمانی به حیات خود ادامه می دهد که معاصر با این ذخیره بزرگ خداوندی در عرصه وجود است.

اعتقاد به وجود حضرت مهدی(عج) و ظهور او برای اصلاح زمین و گسترش عدالت در پهنای آن، امیدبخش ترین و نورانی ترین نقطه امید بندگان صالح حق است و چنین امر مهمی بی التزام عملی به «انتظار فرج» تأثیر بایسته خویش را در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان نخواهد داشت.

قلعه بانان دین در عصر غیبت

از مصیبت‌های عظیم عصر غیبت این است که مردمان در این زمان معاصر آن عزیز الهی اند و در عین حال گذشته از حکومت عدل جهانی او از هدایتها و ارشادهای پیوسته و مستقیم او نیز (در اثر عواملی که تمامی آنها به خود آنان راجع است) محروم اند. و در پی همین محرومیت اسفبار و جانکاه است که بسیاری از حقایق دین مخفی مانده و برخی نیز در اثر دسایس و

نیرنگهای شیاطین و دستهای پیدا و پنهان دشمنان دین چهره ناب و اصلی خود را در پشت غبار خرافه و یا سوءفهم و تحریف عده ای جاهل و یا مغرض پنهان کرده است. و از این راه امت بزرگ اسلامی در طول تاریخ این غیبت دردناک، دچار خسارتها و صدمه های فراوان گشته و قدرت جهاد و مبارزه در جهت حرکت به سوی هدفهای بلند و متعالی، از او سلب گردیده است.

در این میان تنها عالمان دین بوده اند (که بنا به تعیین و تأیید خود امامان معصوم - علیهم السلام - به ویژه شخص حضرت مهدی [عج] [۲] قلعه بانان و حافظان میراث انبیا هستند) که با تحمل رنج فراوان و طاقت شکن و شنیدن زخم زبانها و کشیدن مرارتها در حد توان، به غبارروبی و زدودن لکه های تحریف و سوءفهمهای جاهلانه از صورت پر فروغ مفاهیم بلند دینی قیام می کرده اند و بر طبق برخی نصوص بر سر هر قرنی خدای بزرگ عالمی برتر و بلند مرتبه ای را برمی انگیزد تا آثار دسیسه های نیرنگبازان و بدعت مبدعان را از چهره دین می کند و نقاب تزویر و جهل را از روی آن کنار زند. [۳]

شیخ طوسی و مفیده‌ها، سید مرتضی و محقق حلی‌ها، صاحب شرائع و شهید اول و ثانی‌ها، محقق اردبیلی و علامه حلی‌ها، شیخ انصاری و میرزای شیرازی‌ها، سید جمال الدین اسدآبادی و شهید مدرس تا محروم بروجردی‌ها - رضوان الله تعالی علیهم اجمعین - و صدها نمونه دیگر از این قبیل اند.

امام خمینی(س) احیاگر اسلام ناب

در بین تمامی این بزرگان ابرمردان عرصه علم و تقوا و جهاد، امام خمینی(س) نمودی دیگر و جلوه ای برجسته دارد. کاری که خداوند به دست او عملی کرد به وسیله دیگران محقق نگشت و توفیقی که در این جهت نصیب او شد برای غیر او پیش نیامد.

او با شجاعت و شهامت بی بدیل و کم نظیر خود، به دو کار اساسی و بسیار متعالی اقدام کرد و تا حدود زیادی هم به ثمر نشست. یکی قیام برای زدودن خرافه و کج فهمی از چهره دین و مفاهیم آن که از سوی استکبار جهانی و سیاستهای شیطانی آنها و نیز از طرف مقدسین احمق و جاده صاف کنهای بی مزد استعمار بر آن تحمیل شده بود، که این امر تا آخر عمر شریف او نیز ادامه یافت و حتی در جایی فرموده بود: «اگر بناست با اعلام و نشر حکم خدا به مقام و موقعیتمان نزد مقدس نماهای احمق صدمه ای بخورد بگذارید هر چه بیشتر بخورد...» [۴]

و دیگری هم قیام در جهت ایجاد حکومت اسلامی. و حتی به اعتقاد بسیاری از اهل نظر، شهامتی که از امام راحل(س) در مورد اول بروز کرد بیشتر و بالاتر از شجاعتی بود که در مورد دوم از خود نشان داد. مشکلتر بودن این امر از لابلای کلمات خود آن بزرگوار نیز هویداست.

«انتظار فرج» که خود از سازنده ترین، محرکترین پرشورترین وظایف معتقدان به حضرت مهدی(عج) در عصر غیبت است، دارای یک چنین سرنوشت غمباری بوده است و متأسفانه آنچنان دست تحریف در مفهوم آن کارگر شد که آن را در محتوا به ضد آن چیزی که در اصل برای آن بود تبدیل کرد و به عاملی بازدارنده و حربه توجیه تبلیان، مغرضان، رفاه طلبان و نان به

نرخ روزخوران، تغییر صورت داد و در نتیجه بر سر مسلمین آنچه نباید بیاید آمد، و شد آنچه نباید بشود. امام امت(س) خود در اینباره می فرماید:

«... بعضیها انتظار فرج را به این می دانند که در مسجد یا حسینیه و یا منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان - صلوات الله علیه - را از خدا بخواهند. اینها مردمی صالح هستند که چنین اعتقاد دارند. بلکه یکی از آنها را که من سابقاً می شناختم، مرد بسیار صالحی بود اسبی هم خریده بود و شمشیری داشت و منتظر حضرت صاحب(عج) بود. اینها به تکالیف شرعیشان هم عمل می کردند و نهی از منکر و امر به معروف هم می کردند. دستۀ دیگری بودند که می گفتند انتظار فرج این است که ما کاری نداشته باشیم که در جهان بر ملتها و بر ملت ما چه بگذرد. ما تکالیفمان را عمل می کنیم و برای جلوگیری از این امور هم حضرت - ان شاءالله - می آیند و درست می کنند. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند. اینها هم مردمی صالح بودند. یک دسته هم می گفتند که باید عالم پر از معصیت شود تا حضرت بیایند و ما نباید نهی از منکر و امر به معروف هم بکنیم، تا گناهان زیاد شود که فرج نزدیک شود. دسته ای از این بالاتر بودند و می گفتند که باید به گناهان دامن زد و مردم را به گناه دعوت کرد تا عالم پر از ظلم و جور شود که البته این دسته، اشخاص ساده لوح بودند، منحرفهایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می زدند...» [۵]

ما به خواست خداوند تا جایی که ظرفیت این مقاله اجازه بدهد به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت. پس از آن معلوم خواهد شد که چگونه دست ناپاک تحریف و نارسایی اندیشه برخی این حقیقت ناب محمدی را وارونه و بی خاصیت جلوه داده بود.

فصل اول: انتظار ناب

۱ - مفهوم انتظار فرج: انتظار [۶] در لغت به معنای ترقب و نظر انداختن و چشم دوختن به وقوع امری در آینده آمده است، همچنان که «فرج» [۷] در معنای گشایش و رفع تنگنا در کارها به کار رفته است. و لذا «انتظار» بدین معنا مراقب بودن و به هدف و آرمان فکر کردن و برای وصول زمان و امر موعود سر از پا نشناختن و برای رسیدن هر چه سریعتر آن تلاش کردن و به دنبال فرصت مناسب بودن است. و چنین انتظاری خود محرک و عمل زاست بلکه همچنانکه خواهیم گفت خود عین عمل و اقدام است.

«انتظار فرج» یعنی خواهان گشایش در امر آل محمد(ص) بودن که همان رفع تنگناها در همه زمینها و در تمام زمین در جهت اهداف بلند امامان - علیهما السلام - و اجرای عدالت اسلامی و احکام الهی و زدودن آثار شرک و انحراف در کل جهان است.

«انتظار فرج» یعنی برای رسیدن به چنین جامعه ای لحظه شماری کردن و حرکت و عمل برای برطرف کردن موانع و تسریع، در تحقق آن است. و لذا چنین انتظاری سرشار از بار مثبت است و در مفهوم حقیقی آن هیچ جایی برای غیر آن نیست.

۲ - انتظار مکتب عمل: در حدیثی پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج»

برترین عمل امت من انتظار فرج داشتن است. [۸]

رسول اکرم در این بیان خود «انتظار فرج» را عمل به حساب آورده است، در حالیکه دست روی گذاشتن و خود را بی‌خاصیت و مهمل بار آوردن، در گوشه‌خانه خزیدن و تن به ظلم دادن و در آرزوی ظهور امام زمان به سر بردن تا آن حضرت با نیروی غیبی امور را اصلاح کند نه تنها انتظار نیست بلکه خود ضد انتظار است.

گذشته از این، در این حدیث «انتظار فرج» برترین عمل شمرده شده و سر آن هم این است که «انتظار فرج» حرکت و عمل در جهت ایجاد جامعه و حکومتی مبتنی بر دین و ارزشهای اسلامی و عدالت اجتماعی است و چنین اقدامی برترین عملهاست زیرا مقدمه و تلاش برای تحقق حکومت و نظام اسلامی و ولایت امامان معصوم - علیهماالسلام - است. و بر طبق روایت از امام این خود افضل اعمال است، زیرا وسیله آن است که سایر فرایض و احکام الهی عینیت یافته و عملی می‌گردد. [۹] و در حقیقت «انتظار فرج» برای ما که در عصر غیبت واقیعی نوعی آماده سازی و مهیا شدن برای یاری رساندن به نهضت جهانی حضرت مهدی(عج) و این جز با مبارزه و تلاش مستمر و جهاد بی‌امان با مظاهر شرک و طاغوت و ایجاد آمادگی صد در صد و همیشگی میسر نیست.

آیا کسانی که تحت عنوان انتظار فرج کناره‌گیری اختیار کرده‌اند و خود را از صحنه مبارزه حق و باطل منزوی کرده و در نتیجه روح شهامت و شور جهاد و پیکار را در خود کشته‌اند، بر این باور هستند که یاران حضرت مهدی کسانی‌اند که در رکاب او بجنگند، بکشند و کشته شوند؟ و دوستان آن حضرت همانهایی‌اند که برای مدتها همراه و به امامت او با مظاهر شرک و قدرتهای شیطانی در حال پیکار هستند؟ و چنین چیزی بدون آمادگی قلبی و ایجاد روح سلحشوری و جهاد در خود ممکن است؟ چنین کسانی غالباً بر این پندارند که همه امور مربوط به حکومت حضرت ولی عصر با قدرت غیبی و بدون هیچگونه زحمت و تحمل فشار و سختی، انجام می‌شود و دوستان آن حضرت نابرده رنج، به عظیمترین و پربهاترین گنج دست می‌یابند. و با این دید هم شاید نیازی در این نمی‌بینند که در خود آمادگی را به وجود آورند و به خود زحمت انتظار ناب را داده و تن به بلا دهند.

شخصی به امام صادق(ع) عرض کرد: مردم می‌گویند: هرگاه مهدی(عج) قیام کند امور خودبخود اصلاح می‌گردد و به قدر یک حجامت نیز خون ریزی نمی‌شود. حضرت فرمود: «کلا والذی نفسه بیده لو استقامت لاحد عفواً لاستقامت لرسول الله(ص) حین ادمیت رباعیته و شج فی وجهه کلا والذی نفسه بیده حتی بمسخ نحن و انتم العرق والعلق» هرگز این گونه نیست. به خدایی که جان آن عزیز در دست اوست سوگند اگر بنا بود کار برای کسی بخودی خود هموار شود برای رسول خدا می‌شد آن هنگامی که دندانش شکست و صورتش شکاف برداشت. هرگز چنین نیست. به خدا سوگند کار درست نخواهد شد تا اینکه ما و شما تبدیل به خون و عرق گردیم. [۱۰]

و در همین راستاست که در حدیث دیگری همان حضرت می‌فرماید:

«هر کدام از شما باید خود را برای قیام قائم آماده کند اگر چه به قدر مهیا کردن تیری باشد. زیرا وقتی خداوند نیت صادق او را دایر بر انتظار فرج و یاری آن حضرت ببیند امید می رود خداوند عمر او را دراز کرده تا ظهور او را درک کند و از یاران آن بزرگوار باشد.» [۱۱]

البته مقصود از تهیه سلاح، آمادگی نظامی است که در هر زمانی به گونه ای و شاید مقصود از این که فرمود: «امید می برم که خدا عمر او را دراز کند» این باشد که چنین انتظاری این اندازه در پیشگاه خداوند تعالی ارزش و جایگاه دارد.

و باز همان حضرت در مقام ارزشگذاری این انتظار خالص و سرشار از امید و شور و عمل می فرماید: «من مات منکم و هو منتظر لهذا الأمر کمن هو مع القائم فی فسطاطه، قال: ثم مکث هنیئاً ثم قال: لا بل کمن قارع معه بسفه، ثم قال: لا والله إلا کمن استشهد مع رسول الله» هر کس در حال انتظار باشد و بمیرد همچون کسی است که در خیمه قائم (عج) با او همراه است. پس لحظه ای درنگ کرده و فرمود: نه، بلکه مانند کسی است که با او و در صف او شمشیر بزند. سپس فرمود: نه، به خدا سوگند او همچون کسی است که در رکاب رسول خدا شهید گردیده باشد. [۱۲]

و این امر نیز شاید بدین خاطر باشد که از باب «انما الأعمال بالنیات» [۱۳] از آنجا که چنین شخصی نیتش این بوده است که در آستان حضرت مهدی و در حمایت از او نبرد کند و این آمادگی را نیز در خویش ایجاد کرده است و برای لحظه ظهور سر از پا نمی شناخته و خود را آنچنان مهیا کرده که تا اعلان ظهور شود او بی هیچ درنگ و دغدغه خاطر و با آمادگی کامل، در تمامی زمینه ها به سوی آن، حضرت و کمک به نهضت جهانی او حرکت کند ولی أجل بدو مهلت نداده و با همین نیت از دنیا رفته است خداوند نیز او را با این نیتش محشور کرده و ثواب آن را بدو خواهد بخشید.

مهمتر اینکه باز در روایتی امام سجاد(ع) فرمود: «آنها که در عصر غیبت آن حضرت به سر می برند و به امامت او معتقد و منتظر ظهور او هستند بهترین مردم تمام دورانها و زمانهایند. زیرا خداوند تعالی عقل و درک و هوشی بدانان عنایت می کند و آنچنان فهم و معرفت آنها را بالا می برد که در نزد آنها غیبت به منزله حضور است و خداوند آنها را همانند مجاهدانی که در رکاب رسول خدا می جنگیدند قرار داده است.» [۱۴]

یعنی همان مراقبت، تلاش، مجاهدت و وظایفی که در عصر حضور از آنان سر می زند، در زمان غیبت نیز دنبال می کنند.

با همه اینها آیا باز هم می توان از انتظار فرج معنایی غیر از آنچه گفتیم استفاده کرد؟

۳_ گستره انتظار فرج: با توجه به مفهوم انتظار فرج و نیز با توجه به حدیثی که از رسول اکرم در ابتدای بحث پیش نقل کردیم که پیامبر گرامی آن را با فضیلت ترین عملهای امت خود بیان فرمود، به دست می آید که این وظیفه تنها از وظایف مردم در عصر غیبت نبوده بلکه از مسائلی است که تمامی مؤمنان چه در عصر غیبت و چه در زمان حضور و عدم بسط ید معصومان - علیهما السلام - و حکومت غاصبان، بدان مأمور و مکلف اند. زیرا رسول خدا آن را تکلیف امت دانسته و به گروهی خاص و زمان مخصوصی منحصر نکردند. به عبارت دیگر انتظار فرج تنها اختصاص به منتظران ظهور حضرت مهدی(عج) نداشته و موضوعی است که درباره تمامی امامان - علیهما السلام - صادق است و حتی خود آن وجودهای مقدس را نیز شامل است. زیرا انتظار فرج همانگونه که گفتیم در انتظار گشایش در امر آل محمد(ص) و تشکیل حکومت عدل و نظام

الهی و ولایت معصومان - علیهم السلام - است و این وظیفه ای است که مربوط به تمامی مؤمنان در همه زمانهاست. یعنی مسلمانانی که معاصر امام صادق(ع) و یا امام باقر(ع) و یا دیگر امامان - علیهم السلام - بوده اند موظف بوده اند که منتظر فرج آن انوار مقدس باشند و حتی خود آن بزرگواران نیز وظیفه داشته اند تا در جهت فرج در امر خود اقدام کنند و در پی آن باشند.

علی(ع) می فرماید: «المنتظر لأمرنا کالمتشغط بدمه فی سبیل الله» کسی که منتظر امر ما باشد مانند شخصی است که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد. [۱۵]

البته بنابر مفاد روایات فرج واقعی و عینی و حتمی آل محمد(ص) در عصر ظهور امام زمان(عج) است، ولی تحقق و عملی شدن فرج امری است و تکلیف به انتظار و تلاش در جهت فرج امری دیگر است. زیرا براساس تعلیمات دینی شخص و یا جامعه مؤمن همواره مأمور به انجام وظیفه است و نه به نتیجه.

امت اسلامی وقتی در شرایطی قرار گرفت که با توجه به آن بر او جهاد با دشمنان دین واجب گشت، مکلف است بدان عمل کند، چه این حرکت به دنبال خود پیروزی داشته باشد و یا شکست و این پی آمد هر چه باشد از دایره تکلیف او خارج است.

بنابراین تکلیف به انتظار فرج مربوط به مؤمنان در همه زمانها تا تحقق فرج حقیقی آل محمد(ص) می باشد.

آنچه مهم است این است که صورت انجام این تکلیف در هر زمانی متناسب با شرایط آن زمان متغیر است، زمانی در شکل مبارزه علنی و آشکار پیاده می شود و زمانی هم در قالب مبارزه پنهان و مخفی جامعه عمل می پوشد.

۱ - ۳ - انتظار فرج در قالب مبارزه آشکار: همچنانکه اشاره کردیم، اساس در تعلیمات دینی عمل به تکلیف است. و آن اقدام و تلاش در جهت تحقق فرج است، ولی گاهی مناسبات و شرایط موجود اقتضای جهاد و مبارزه علنی دارد که در این صورت تکلیف به انتظار فرج در این قالب بر امت و امام تعلق می گیرد و آن در صورتی است که در حد یک قیام آشکار از سوی مردم اعلام وفاداری نسبت به امام انجام بگیرد که در این صورت تکلیف به قیام و مبارزه بر عهده همگان می آید و همانگونه که اشاره شد در این فرض آنچه وظیفه به قیام را تعیین می کند اعلام وفاداری و حمایت عمومی است نه نتیجه. و لذا چنانچه این شرایط پیش آید اگر امام معصوم علم به عدم موفقیت هم داشته باشد تکلیف از او و مجاهدان ساقط نیست. زیرا خلق باید امتحان شوند و حجت الهی بر همه تمام گردد.

مردی از شام به کوفه آمد و مرگ معاویه را گزارش داد. علی(ع) به او فرمود: تو خود شاهد مرگ معاویه بوده ای؟ گفت: آری، من خود خاک در قبر او ریختم. حضرت فرمود: این مرد دروغ می گوید. کسی گفت: از کجا می دانی این شخص دروغگویی می کند؟ فرمود: معاویه تا وقتی اینگونه و آنگونه عمل نکند نمی میرد - و اعمالی که او در زمان حکومت خود انجام داد برشمرد - به آن حضرت گفته شد: پس چرا با او می جنگی؟ حضرت فرمود: «... للحجة». این نبرد بدین خاطر است که حجت برای مبارزه و جهاد با او بر من قائم شده و من برای انجام وظیفه با او نبرد می کنم. [۱۶]

و لذا با این که امام صادق(ع) در پاسخ تقاضای قیام از ناحیه برخی دوستان خود به ناکام بودن هر انقلابی در آن شرایط آنان را تذکر می دهد و آنها را که در هوای یک انقلاب پیروز و خوش فرجامی که خیال می کردند زمان آن فرج موعود رسیده است و براساس همان پندار، امام(ع) را به جهاد علنی فرا می خواندند آنها را متوجه وظیفه می کرد و اینکه آن قیام ظفرمند علامتهایی دارد و تا آن علایم پیش نیاید فرج موعود محقق نخواهد شد و دستور می داد که شیعیانش خویشستندار و بر خود مسلط باشند و بیجهت دست به اقدامهای ناشیانه نزنند تا کار خود و سایر دوستانشان را به پریشانی و اضمحلال نکشانند. در عین حال در جواب «سریر» که از اصحاب او به شمار می رفت و با مطرح کردن کثرت یاران آن حضرت عدم نهضت و قیام آن بزرگوار را مورد اعتراض قرار داد، فرمود: تعداد آنها چقدر است؟ گفت: صد هزار. حضرت فرمود: صد هزار؟ گفت: بلی، بلکه دویست هزار. فرمود: دویست هزار؟ گفت: بلی، نصف دنیا. حضرت ساکت شدند و سپس فرمودند: آیا می توانی با ما به «ینبع» [محلّی نزدیک مدینه] بیایی؟ عرض کرد بلی! در آن مکان پسر بچه ای چند بزغاله را می چرانید. امام(ع) فرمود: «اگر من به تعداد این بزغاله ها شیعه می داشتم سکوت را روا نمی دانستم». [۱۷]

بنابراین قیام امام حسن - علیه السلام - و سپس صلح آن حضرت و نهضت خونین حسین - علیه السلام - با علم آن بزرگوار نسبت به عدم موفقیت و پیروزی ظاهری خود در همین راستا بوده و در جهت عمل کردن به وظیفه انتظار فرج و عینیت دادن به افضل الاعمال، پیش آمده است.

۲ - ۳ - انتظار فرج و مبارزه پنهان: در صورتی که شرایط و موقعیت خاص اجتماعی و سیاسی برای قیام علنی مقتضی نباشد، انتظار فرج در قالب جهاد با نفس و مبارزه پنهان با دشمن غاصب و قاهر، شکل می گیرد. و این گونه است که این امر خود زمینه ساز حرکت های آزادیبخش، فراگیر و ثمربخش می گردد. همچنان که این اوضاع در عصرهای پس از زمان امام سوم(ع) پیش آمد و تا عصر غیبت و بعد از آن نیز ادامه داشت. زیرا امامان معصوم - علیهم السلام - بخوبی می دانستند که زمینه پیروزی برای آنها مهیا نیست. از طرف دیگر بیعت و اعلام حمایت و وفاداری عمومی هم با آنها صورت نگرفته بود تا همچون حضرت علی و حسین - علیهما السلام - به قیام آشکار و جهاد علنی دست بزنند. و لذا در این برهه از زمان و اوضاع خاص، جامعه مؤمنین و پیشوایان آنها مکلف به تقیه و مبارزه مخفی بوده اند تا در نتیجه آن پایه های اسلام را محکم کنند و با استفاده از این فرصت به تربیت نفوس بپردازند و معارف قرآنی را تبیین کنند و بدینگونه با دشمنان دین به مبارزه برخیزند.

در این بین عده ای از شیعیان - به معنی اعم آن - دعوت به مبارزه و قیام علنی می کردند و اینها بر دو دسته بودند: دسته اول: کسانی بودند که با فرصت طلبی در صدد بودند تا از موقعیت به سود خود بهره برداری کنند و با عناوین مختلف مردم را به شورش علیه حکومت وقت فرا می خواندند و به خصوص از انتظار فرج و قضیه حضرت مهدی(عج) که در میان مردم معهود و معروف بود سوء استفاده های فراوان می بردند و سعی داشتند با تطبیق آن قیام ظفرمند بر حرکت بیمایه خود اعتماد عمومی را به سوی خویش جلب کنند و از این زمینه اعتقادی و روانی بهره جویند. و لذا ائمه اطهار - علیهم السلام - مردم را از همراهی با آنها و معاضدت آنان باز می داشتند تا بدین وسیله راه سوء استفاده ها و بهره برداریهای سوء از مردم غافل و بی توجه به مصالح خود و امت را بر آنان سد کنند.

در یک روایت معتبر، عیص بن قاسم می گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: «بر شما باد به رعایت تقوای الهی که باشد شریکی برای او نیست. و بدقت سرمایه جان خود را در نظر بگیرید. به خدا سوگند انسانی که بر سرنوشت گوسفندان

خود علاقه مند است اگر چوپانی بهتر و داناتر به مصالح دامهای خود پیدا کند او را جایگزین چوپان قبلی می کند. به خدا قسم، اگر هر یک از شما دو جان می داشت با یکی در این جنگها و نبردها شرکت می کرد و تجربه می آموخت - و حق را از باطل عملاً می شناخت - سپس با دیگری از نتیجه آنچه تجربه کرده است بهره می برد، در حالیکه اینگونه نیست و هر کس تنها از یک جان برخوردار است، وقتی برود - تمام سرمایه از دست رفته - توبه و فرصت جبران هم از میان می رود. شما سزاوارترین مردم هستید تا درباره جان و سرنوشت خود حساس باشید و راه حق را بدرستی برگزینید. هرگاه کسی از ما شما را به قیام فراخواند با دقت بنگرید که بر چه اساس و پایه ای اقدام می کنید...» [۱۸]

در روایت دیگر، عمر بن خطاب (ع) از امام صادق (ع) می پرسد: فدایت شوم اگر کسی از خاندان شما پیش از این نشانه ها خروج کند با او همراهی کنم؟ فرمود: نه! [۱۹]

همچنان که در حدیث دیگری هر پرچمی که پیش از قیام حضرت قائم (عج) برافراشته شود صاحب آن را طاغوت معرفی کردند. [۲۰]

البته همانگونه که اشاره شد مقصود حضرت جلوگیری و ممانعت از تأثیر تبلیغات سوء برخی فرصت طلبان و دنیا مداران دلبسته قدرت و حکومت است که به عنوان مهدی امت (عج) مردم را به خود دعوت می کردند.

شاهد بر آنچه گفتیم حمایت و تأییدی است که خود حضرت امام صادق (ع) از برخی قیامهای بحق به خصوص از نهضت زید بن علی - رضوان الله تعالی علیه - داشتند. در همان روایت معتبر «عیص بن قاسم» که در آغاز نقل کردیم حضرت می فرمایند: «... نگویند زید بن علی قیام کرد، زیرا زید مردی دانا و با صداقت بود و او شما را به سوی خود فرا نمی خواند، بلکه او بدانچه رضای آل محمد (ص) در آن است دعوت می کرد و اگر پیروزی نصیبش می شد هر آینه به عهد خود وفا می کرد.»

دسته دوم: تعدادی از دوستان و پیروان ائمه - علیهم السلام - بودند که نیت خالص و خیر داشتند و از روی احساسات و برخی نیز برای رسیدن به زندگی بهتر در سایه حکومت عدل آن بزرگواران از آن وجودهای مقدس تقاضای قیام می کردند. ولی در مقابل امامان - علیهم السلام - آنان را به صبر و حوصله و تقیه دعوت می کردند؛ و حقیقت انتظار فرج را برایشان شرح می دادند که این زمان باید به خودسازی و زمینه سازی پردازید و از اقدامهای عجولانه و حساب نشده بپرهیزید.

ائمه اطهار - علیهم السلام - علت عدم قیام علنی خود را دو چیز معرفی می کردند: نخست اینکه فرج واقعی و انقلاب پیروز هنوز موقعش فرا نرسیده و هر اقدامی بی نتیجه و بی حاصل است و جز متلاشی شدن بنیان شیعه و خسارت نتیجه ای ندارد. [۲۱] و دیگر آنکه اسباب و اوضاعی که علی رغم علم به عدم پیروزی تکلیف به یک قیام عمومی را نیز موجب گردد وجود ندارد. گفتگوی «سریر» با حضرت صادق (ع) - که پیش از این ذکر شد - شاهدهی بر این مدعاست.

نظیر همین موقعیت که برای امام معصوم (ع) پس از امام حسین (ع) پیش آمد در مدتی کوتاه برای امیرمؤمنان (ع) نیز فراهم شده بود و در همان اوضاع عده ای از دوستان آن حضرت او را به قیام و جهاد علیه مخالفان خود دعوت می کردند و آن بزرگوار نیز همانگونه موالیان خود را به صبر و متانت و خودسازی در همه ابعاد سفارش می فرمودند و از حرکت عجولانه و

احساسی که نتیجه آن انهدام اساس دین و خونریزی حاصل بود ممانعت می کردند. [۲۲] ولی آنچه از لابلای روایات به دست می آید اینکه هرگاه حرکتی اصلاح طلبانه و با مساعدت اوضاع گر چه به صورتی غیر فراگیر و با قصد کمک به مکتب اهل بیت - علیهم السلام - از ناحیه برخی از افراد شایسته و صالح علیه دستگاه ستم برپا می شده است، مورد تأیید معصومان - علیهم السلام - قرار می گرفته که نمونه آن را در تأیید قیام زید بن علی نقل کردیم.

از آنچه گفتیم به دست می آید که «انتظار فرج» به معنای تن به ظلم دادن و رضایت بدان و ظالم را به حال خود گذاشتن و در گوشه ای فارغ از هر گونه احساس مسئولیتی نسبت به حوادث روزگار غنودن و بی تفاوت نسبت به مصالح اسلام و امت اسلامی نیست، بلکه وظیفه فرج در هر زمان و هر دوره ای یک هدف را دنبال می کند و آن گشایش در امر آل محمد(ص) و برقراری نظام اسلامی و به دنبال فرصت مناسب بودن برای تحقق آن است و این امر گاهی با قیام علنی عملی می شود و گاهی نیز با مبارزه پنهان و زمینه سازی برای رسیدن به زمان مناسب به منظور قیام آشکار علیه نظامهای ظلم و ستم. و هر گاه نیز چنین اوضاعی فراهم آمد تکلیف حکم می کند که در راستای وصول به فرج و تضعیف باطل و انهدام آن به اقدام مقتضی دست زد - و همان گونه که گفتیم و باز خواهیم گفت - مقصود امامان معصوم - علیهم السلام - از محکوم کردن قیامهایی خاص، آنهایی بوده است که با دعوی مهدویت و یا با انگیزه دنیاطلبی و کسب قدرت انجام می گرفته و رهبران آن برای امیال و هواهای نفسانی به فتنه انگیزی و فساد می پرداختند.

از شواهد دیگر این مدعا تأییدهایی است که از ناحیه معصومان - علیهم السلام - نسبت به برخی قیامهای پیش از ظهور صادر شده است که نقل آنها کلام را به درازا می کشد و در اینجا تنها به نقل دو نمونه بسنده می کنیم:

۱- مرحوم مجلسی در تاریخ قم از کتاب بحارالانوار از امام کاظم(ع) نقل می کند که آن حضرت می فرمود: «رجل من اهل قم یدعوا الناس الی الحق یجتمع معه قوم کذبرالحدید، لاتزلهم الریاح العواصف و لایملون من الحروب و لایجبنون، و علی الله یتوکلون و العاقبة للمتقین». مردی از اهل قم مردم را به سوی حق فرا می خواند، گروهی برگرد او می آیند که بسان پاره های آهن اند. توفانهای سخت آنان را نمی لغزاند و از جنگها خسته و درمانده نمی شوند، ترس به دل راه نمی دهند و بر خدا توکل می کنند و فرجام نیک از آن متقیان است. [۲۳]

بسیاری از صاحب نظران این حدیث را بر انقلاب اسلامی ایران و رهبری امام راحل(س) منطبق می دانند. دقت در فرازهای آن نیز هر انسان با انصافی را به همین نتیجه مطمئن می سازد. از لابلای جملات آن به خوبی روشن است که حرکت و دعوت و قیام امام خمینی(س) نهضتی حق مدارانه، اصلاح طلبانه، و تأیید شده و عاقبت بخیر بود.

۲ - از رسول گرامی(ص) روایت شده است که آن حضرت فرمود: «یخرج الناس من المشرق فیوظئون للمهدی سلطانه» گروهی از مشرق زمین خروج می کنند و زمینه ساز حکومت مهدی(عج) می شوند. [۲۴]

این حدیث را نیز برخی از اهل نظر - مانند روایت پیش - بر انقلاب اسلامی ایران تطبیق داده اند. [۲۵]

بنابر آنچه گفتیم، انتظار فرج، مکتب تعهد و عمل و مدرسه عرفان و شور و حرکت است و این همان چیزی است که امام امت(س) در عمل و کلام خود به ما آموخت و با اجرای آن اساس تشیع و کیان آن را از خطر دشمن رهانید و از تیررس آن به دور داشت، و با معرفی چهره ناب و اصلی آن جامعه را به سوی صلاح و اصلاح حرکت داد و حق ستیزان مستکبر را به استیصال و بیچارگی کشاند. معارف اهل بیت عصمت - علیهم السلام - را از انزوا نجات داد. و راه را برای پیاده شدن نسبی تعالیم حیاتبخش دین در سطح جامعه - گرچه در منطقه ای خاص - هموار کرد و بالاتر اینکه تمامی جهانیان را به نقش دین و اصالت آن در حیات بشری واقف ساخت، و با انقلاب پرشورش زمینه ساز ظهور حضرت مهدی(عج) و فرج حقیقی و همیشگی و جهانی آل محمد(ص) گردید.

۴- انقلاب اسلامی ایران و انتظار فرج: ممکن است در ذهن خوانندگان عزیز این پرسش پیش آید که بر طبق روایت مذکور زمینه ساز قیام حضرت مهدی(عج) در عصر غیبت یک انقلاب اصلاحی است، در حالیکه بنابر روایات دیگر که از رسول خدا(ص) و امامان معصوم - علیهم السلام - نقل شده است، حضرت ولی عصر هنگامی ظاهر می شوند و دست به انقلاب می زنند که جهان را ظلم و جور فراگرفته باشد. [۲۶] پاسخ این پرسش این است که تحقق و حدوث هر انقلاب اصلاحی و مردمی بر دو پایه استوار است که با وجود هر یک و بدون دیگری ممکن نیست نهضت محقق شود.

۱- غلبه ظلم و فساد بر جامعه از ناحیه حکومت‌های جائر و ستم پیشه.

۲- آگاهی و بیداری عمومی در همه قشرها و طبقات اجتماعی نسبت به وضعیت موجود.

و این خود فلسفه تحقیق هر انقلاب اصلاحی است.

نمونه روشن این حقیقت وقوع انقلاب و نهضت اسلامی در ایران به رهبری امام راحل(س) است که در تحقق آن این دو مقدمه نقش اساسی داشت. اگر شاه و عمال او طریق عدالت داشتند و بدرستی با مردم رفتار می کردند نه امام و نه مردم نیازی به انقلاب نمی دیدند، همانگونه که اگر با وجود ستمشاهی مردم در ناآگاهی و بی خبری بودند باز هم انقلاب رخ نمی داد.

با شروع مبارزات امام در طول سالیان دراز از راههای مختلف - چه به وسیله خود آن بزرگوار و چه توسط یاران باوفا و شجاع و متعهد او - بذر آگاهی در افکار و دلهای مردم پاشیده شد و با آغاز اولین جرقه انقلاب در سال ۵۷ این حرکت پرخروش جوشیدن گرفت و هر چه بر آگاهی و بیداری مردم افزوده می شد گستره انقلاب و نهضت نیز وسعت بیشتری می یافت. تا اینکه در اثر عمق و دامنه گسترده معرفت توده های مردم زبانه انقلاب به تمامی نقاط این سرزمین رفت و عاقبت نیز خرمن عمر ستمکاران و طاغوت را در کام خود فرو برد.

انقلاب مقدس جهانی امام زمان(عج) نیز که یک انقلاب اسلامی با پشتیبانی عموم مردم و استقبال آنها از این قیام در سطح جهان است از این قاعده مستثنی نیست. هر اندازه دامنه ظلم و فساد و به همان نسبت وسعت بیداری مردم عمیقتر و زیادتر باشد، انقلاب حاصل از آن گستره بیشتری خواهد داشت. و از آنجا که انقلاب نجاتبخش حضرت مهدی(عج) بنا به خواست و

اراده خدای متعال شورشی عظیم و عالمگیر بر ضد مستکبران و مشرکان ستمگران است باید بر طبق سنت الهی این دو مقدمه پدید آورنده آن نیز جهانگیر باشد تا در همه جا یک انقلاب واقعی رخ دهد و بزودی تمامی مردم دنیا به آن روی آورند. روی همین اساس حضرات معصومان - علیهم السلام - خبر می دهند: پس از آنکه زمین از ظلم و فساد پر شود و گردانندگان و متولیان امور مردم در راه استثمار و بهره کشی آنها در گوشه گوشه دنیا به قتل و جنایت دست زنند و امنیت جانی و مالی را از آنان بگیرند، و زندگی را بر عدالت طلبان و حق خواهان تنگ کنند و با قوه قهریه و یا حيله و تزوير ملتها را به سوی مطامع و خواستههای شیطانی خویش بکشانند و آنها را از فطرت انسانی و یا تحمیل زندگی سراسر مادی و دور از معنویت و اخلاق حیات را برای آنها پوچ و بی معنا سازند، آنگاه خداوند متعال در بطن چنین دنیایی پر از فساد و ستم، ملتی را بر می انگیزد و به او کمک می کند و تمامی وسایل و مقدمات و ابزارهای لازم برای یک انقلاب ظفرمند را در اختیارش قرار می دهد. رهبری فرزانه و عادل که از اهل قم است با امتی حق طلب به پا می خیزند و به وسیله این حرکت و نهضت مقدس صلاهی عدالت طلبی و فریاد بیداری در کل جهان بلند می شود، مردم دنیا به اصالت اسلام و مکتب بر حق تشیع و پیام نورانی آنکه رهایی از دام هر اسارت و بند شیطانی و رسیدن به حیات خالص و دور از شرک و طاغوت زدگی است، متوجه می شوند و بتدریج این آگاهی عمق بیشتری می یابد تا آنجا که مطابق حدیثی از امام صادق(ع) «خداوند بزرگ از قم که مرکز این بیداری و حرکت است، حجت خود را بر تمام دنیا از شرق و غرب تمام خواهد کرد. و این امر تا زمان ظهور حضرت مهدی(عج) ادامه می یابد.» [۲۷]

این دو عنصر، یعنی ظلم و فساد عالمگیر و بیداری و توجه عمومی و رشد فکری، جهان را در آستانه انفجاری عظیم و خیزشی فراگیر قرار خواهد داد و زمینیان را طالب و منتظر مصلحی بر حق خواهد کرد و آنگاه خدای متعال به غیبت آن ذخیره وجود پایان خواهد داد و چشم جهان را به نور پرفروغ ظهورش روشن خواهد ساخت.

فصل دوم: عوامل تحریف در معنای انتظار

در این فصل به عوامل و زمینه هایی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، در تحمیل معنای انحرافی فرج دخیل بوده و هست می پردازیم.

۱ - عوامل مذهبی: برخی از عواملی که در سوء برداشت از انتظار فرج دخیل بوده و هست به نارسا بودن فهم در برخی مفاهیم دینی برمی گردد که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

۱ - ۱ - ۲ - همچنانکه در فصل پیش گفتیم روایاتی از ائمه اطهار - صلوات الله علیه اجمعین - در کتب حدیث موجود است که برخی از آنها حاکی از محکومیت هر انقلابی پیش از ظهور حضرت مهدی(عج) است. از جمله اینکه در یک روایت معتبر، ابی بصیر از امام صادق(ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «کل رایة ترفع قبل قیام القائم(ع) فصاحبها طاغوت یعبد من دون الله عز و جل» هر پرچمی که پیش از قیام قائم(عج) برپا شود، صاحب آن طاغوت است که پیروان او به عبودیتش می پردازند. [۲۸]

البته پیرامون این دسته از روایات پیش از این سخن گفتیم ولی در خصوص این روایت اضافه می‌کنیم که، اولاً؛ ممکن است به احتمال قوی مقصود از «قائم» مطلق امام معصوم باشد و نه تنها حضرت مهدی (عج)؛ و در حقیقت این کلام در محکومیت کسانی صادر شده باشد که با فرصت طلبی و شتاب در کار دست به شورش زند تا از زمینه‌های فراهم شده و مقدمات آماده – به خیال خود – سود جویند و با پیروزی بر خصم، به جای امام معصوم برحق خود حکومت را به دست گیرند، و در نتیجه طرحها و نقشه‌ها و زمینه‌های مساعد افشا شود و از بین برود. مؤید این احتمال روایتی است که امام صادق (ع) در وصیت خود به «مؤمن طاق» (که از اصحاب آن حضرت است) فرمود:

«فو الله لقد قرب هذا الامر ثلاث مرأت فاذعتموه فاخره الله» به خدا سوگند فرج ما برای سه بار نزدیک به وقوع بود که شما (مقصود کسانی اند که رعایت اصول مبارزه را نمی‌کردند) آن را افشا کردید و خداوند نیز آن را به تأخیر انداخت. [۲۹]

در اصول کافی نیز روایاتی نقل شده که مفاد آن این است که امامان معصوم – علیهم السلام – همگی قائم اند. [۳۰] البته صاحب کتاب دراسات فی ولایة الفقیه این احتمال را بعید دانسته اند. [۳۱] ولی به نظر ما وجهی برای بُعد آن نیست، و با توجه به روایت اخیر و با توجه به اوضاع آن زمان که عده‌ای فرصت طلب مردم بی اطلاع را به سوی خود می‌کشیدند و از پیروی امامان معصوم – علیهم السلام – جدا می‌کردند، این احتمال قوی است که مقصود از الف و لام «القائم» جنس باشد و نه عهد، و اختطاری باشد به عموم شیعه، که باید قیام و قعود آنها با تبعیت از ائمه معصوم باشد و سر در فرمان آنان داشته باشند. ثانیاً؛ بر فرض اینکه مقصود از «القائم» حضرت مهدی (عج) باشد، این کلام به قیامهایی اشاره دارد که با عنوان مهدویت و یا به نام دین برای کسب قدرت و حکومت و رسیدن به آمال دنیوی انجام می‌شود. زیرا مسلماً قیامهایی همچون نهضت زید بن علی و انقلاب حسین بن علی (شهید فخر) و امثال آن مورد تأیید بوده اند و لذا باید این حدیث تخصیص بردارد، در حالیکه اگر ملاک محکومیت و موضوع آن، برافراشته شدن پرچم پیش از قیام مهدی به طور مطلق باشد، این تخصیص وجهی ندارد. زیرا همه آن قیامها در این جهت شریک اند. و لذا همچنانکه گفتیم باید مقصود پرچمی باشد که به باطل و به غیر رضای آل محمد (ع) دعوت کند و مؤید این نظر هم این است که حضرت فرمود: صاحب و رهبر آن قیام طاغوت و معبود پیروان خود است. در صورتیکه قیام بر حق، مردم را به عبادت خدا و تسلیم در برابر امامان معصوم – علیهم السلام – فرامی‌خواند و مناسبت حکم و موضوع مقتضی این است که مقصود از پرچم، آن قیامی باشد که رهبر آن دعوت به خود کند و دین و مکتب را بعنوان وسیله‌ای برای پیروزی خویش به کار گیرد. ثانیاً؛ بر فرض اینکه این روایت در آنچه گفتیم ظهوری نداشته باشد (که البته دارد) لااقل در این جهت اجمال داشته و قابل استدلال بر غیر آن نیز نیست.

۲ - ۱ - ۲ - منوط بودن اجرای برخی از احکام به وجود امام معصوم (ع): به اعتقاد عده‌ای از فقها، اجرای احکام و قوانینی همچون جهاد ابتدایی، اجرای حدود و حتی قضاوت و نماز جمعه منوط به وجود امام معصوم (ع) است که خود یا نایب خاص او متکفل این گونه امور شود؛ و در عصر غیبت مشروعیت اینگونه علیهم مورد تردید و یا منع است. [۳۲] و این خود از عواملی است که ممکن است زمینه ساز سوء فهم و برداشت منفی از انتظار فرج باشد و القا کننده‌ای که باید صبر کرد و دست روی دست گذاشت تا امام عصر – ارواحنا فداه – با اختیاراتی که دارند تشریف بیاورند و کارها را به سامان برسانند و اجرای احکام کنند، ولی حقیقت این است که همچنانکه برخی فرموده اند و در اخبار و کلمات متقدمین از فقها – رضوان الله تعالی علیهم – اجرای این احکام به اجازه‌ی امام عادل منوط شده و آن نیز همچنان که مظهر اکمل آن پیشوای معصوم است بر حاکم عادل

مجاز و مرضی امامان - علم السلام - گرچه غیر معصوم باشد نیز صادق است و مقصود از «امام» در کلمات فقها، حاکم عادل است و این امر با مراجعه به عبارات آنها در موارد گوناگون، آشکارا مشاهده می شود. [۳۳]

۳ - ۱ - ۲ - سوء فهم از روایات: «... بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» و این خود از اسباب مؤثر در تحمیل معنای انحرافی بر انتظار فرج بوده است، زیرا برخی از کوتاه نظران فکر می کنند که چون ظهور حضرت مهدی (عج) به پر شدن جهان از ستم و جور بستگی دارد پس نباید در جهت اصلاح قدمی برداشت و هر گامی در این زمینه ظهور حضرت را به تأخیر می اندازد و به عقب می راند و بلکه بالاتر اینکه به اعتقاد برخی منحرفین و یا احمقان آنها برای تسریع در ظهور آن سرور باید دست به اشاعة منکرات زد، که شرح عقاید اینها را از زبان امام راحل در ابتدا نقل کردیم. ولی از بزرگترین ستمها بر فرهنگ ناب اسلامی و شیعی همین کج فهمیها در متون دینی است که قضیه را برعکس و وارونه کرده و حقیقت را فدای نارسایی فکر و اندیشه می کند.

پاسخ به اینگونه استنباط نادرست از روایات به این است که: اولاً، مفاد اخبار، پرشدن جهان از ظلم و تباهی است و این منافاتی با تلاش و عمل و جهاد مصلحان و نیک اندیشان ندارد و وظیفه آنان را در جهت انجام تکلیفهای الهی ساقط نمی کند. زیرا چنین اوضاعی، علی رغم تلاش صالحان و مبارزه آنان علیه فساد پیش می آید. مگر هر حرکت و تلاشی نتیجه عینی مطلوب می دهد؟

دعوت و پیامرسانی حضرت نوح(ع) و سایر انبیا پس از آن حضرت هر یک در زمان خود چقدر به ثمر نشست؟ آیا آنگونه که آن مشعلهای هدایت دلخواهشان بود مردم هم پذیرا بودند؟ آیا پس از شهادت حسین بن علی(ع) و قیام آن حضرت و یا پس از قیام امام حسن(ع) ظلم هم پایان یافت، و یا برعکس چهره زشت جباران و ستمگران بیشتر خود را نشان داد؟

بنابراین منطقی، باید آن بزرگواران چون به محو ظلم موفق نمی شدند دست از عمل بشویند و اگر چنین کاری اتفاق می افتاد آیا اساساً دعوت به توحید و نور هدایت در ضعیفترین جلوه آن در حیات بشری وجود داشت؟ لذا مبارزه و جهاد برای صلاح و اصلاح در جامعه و تکلیف به آن منافاتی با این موضوع ندارد که در عین حال در اثر طغیان جامعه بشری و حکومتهای جور و غلبه آنان این حرکتها اصلاحی نتیجه مطلوب ندهد و همچنان جهان رو به تباهی و انهدام پایه های معنویش پیش رود، که هم اکنون نیز این چنین است.

ثانیاً، همانطور که در فصل پیش گفتیم این حدیث در کنار حدیث دیگری که از نبی اکرم(ص) نقل شده است خود بیانگر فلسفه تحقق انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج) است که در اینصورت این روایت متضمن معنایی بلند، علمی و افتخارآمیز است که با آنچه برخی از آن استفاده می کنند در کمال تقابل و تضاد است.

۲ - عوامل درونی: در این بخش به جهت طولانی شدن مقاله، تنها به ذکر برخی عناوین بحث اشاره کرده و تحقیق بیشتر آن را به فرصتی دیگر موکول می کنیم.

عافیت طلبی، ضعف نفس و نبود شجاعت روحی، ترس از جان و خطرهای احتمالی و یأس و خوف از عدم موفقیت و ثمردهی.

البته ممکن است عوامل دیگری هم در ابعاد مختلف وجود داشته باشد که به تحقیق بیشتری نیازمند است و ما در همینجا کلام را به پایان می بریم و با تقدیم خالصترین دروذهای خود به محضر حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - و روان پاک امام راحل(س) مجدد دین و احیاگر اسلام ناب محمدی(ص) و زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) و شهیدان به خون خفته راه پرافتخارش، این نوشته را به مشک نامشان ختم می کنیم و به قبولی این کار ناچیز به درگاهشان امیدواریم.

منبع: مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و احیاء تفکر دینی، ج ۲، ص ۴۰۱.

پی نوشتها

- [۱] - سوره انبیا، آیه ۱۰۵.
- [۲] - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.
- [۳] - بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۲ - ۹۳.
- [۴] - ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۵۰-۱۵۱.
- [۵] - کوثر، ج ۲، ص ۸۶۴.
- [۶] - المنجد، ص ۸۱۷، ماده نظر.
- [۷] - قاموس المحيط، ج ۱، ص ۲۰۹ و المنجد، ص ۵۷۴، ماده فرج.
- [۸] - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸. سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۹۶.
- [۹] - وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷.
- [۱۰] - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.
- [۱۱] - همان، ص ۳۶۶.
- [۱۲] - مکیال المکارم، موسوی اصفهانی، ترجمه: سید مهدی حائری، ج ۲، ص ۲۱۰.
- [۱۳] - همان، ج ۵۱، ص ۸۷، سنن ابن ماجه، ج ۲، ح ۴۰۸۸، احیاء اقراث العربی.
- [۱۴] - سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۹۶.

[۱۵] - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

[۱۶] - بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۹۸.

[۱۷] - اصول کافی، ج ۲، ص ۲۴۲.

[۱۸] - وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۵.

[۱۹] - وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۷.

[۲۰] - همان.

[۲۱] - برای نمونه نگاه کنید به: وسائل الشیعة، ج ۱۱، ابواب جهاد عدو، باب ۱۳، حدیث ۲ و ۵ و ۴.

[۲۲] - نهج البلاغه، فیض الاسلام، ۷۶۵. خطبة ۲۳۲.

[۲۳] - بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶، باب ۳۶، حدیث ۳۷.

[۲۴] - همان، ج ۵۱، ص ۸۷، سنن ابن ماجه، ج ۲، ۱۳۶۸، حدیث ۴۰۸۸.

[۲۵] - نگاه کنید به: دراسات فی ولایة الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۹.

[۲۶] - نگاه کنید به: بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۱، ۷۳ و ج ۵۲، ص ۳۸، ۳۲۲.

[۲۷] - سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۵۵، ماده قم.

[۲۸] - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷، باب ۳ از ابواب جهاد عدو، حدیث ۶.

[۲۹] - تحف العقول، ج ۱، ص ۳۱۰.

[۳۰] - اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۶.

[۳۱] - دراسات فی ولایة الفقیه، ج ۱، ص ۲۴۳.

[۳۲] - مراجعه کنید به: دراسات فی ولایة الفقیه، ج ۱، صص ۱۱۷، ۱۶۰.

[۳۳] - همان، ۱۱۸ - ۱۶۰.

